



نگاهی تربیتی به دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو: جستاری مقایسه‌ای

علی ستاری^۱، *، مریم بناهان^۲، معصومه بهاری جویباری^۳

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل دلالت‌های تربیتی دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو بصورت مقایسه‌ای با شناسایی بارزترین مفاهیم تربیتی آنها است. روش پژوهش بصورت توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوا همراه با رویکرد استقرایی است. در بررسی داستان‌ها، جمله بعنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد. در این راستا، جمله‌های همسو با نظام مقوله‌بندی مشخص و در فهرست وارسی ثبت شدند. مقوله‌های اصلی شامل اهداف، اصول، انواع و روش‌های تربیتی تعیین شدند. زیر مقوله‌ها در ذیل مقوله‌های اصلی با رویکردهای دلالت‌های تربیتی مفهوم‌پردازی شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وجه اشتراک دلالت‌های تربیتی دو داستان در اصول تربیتی مبنی بر اصل فردیت، اصل تکلیف نسبت به خود و اجتماع، اصل تکامل پیرامون خلقت انسان اولیه و چگونگی رشد و نمو نفس بشری، نمایان می‌گردد. از سوی دیگر، مهمترین وجوه افتراق دو داستان در اهداف تربیتی است؛ بدین صورت که حکایت سیر معرفتی انسان از شناخت وجود حقیقی در داستان حی بن یقظان نسبت به داستان رابینسون کروزو است. تلاش برای کشف حقیقت وجود و ارائه معنای جدیدی برای زندگی به عنوان نقش برجسته در داستان حی بن یقظان جلوه گر است.

کلمات کلیدی: دلالت‌های تربیتی؛ داستان حی بن یقظان، داستان رابینسون کروزو؛ تحلیل محتوا.

^۱. استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، نویسنده مسئول، alisattari@alzahra.ac.ir

^۲. استادیار گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، banahan@alzahra.ac.ir

^۳. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، ma.bahari.9@gmail.com

مقدمه و بیان مساله

دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو که به زبان های گوناگون ترجمه شده اند و طیف وسیعی از مخاطبان را به خود جلب کرده اند، دربرگیرنده حقایقی در باب انسان، جهان و ارزش ها می باشند. بررسی دیدگاه موجود در این داستان ها می تواند با توجه به تاثیرات احتمالی فکری و تربیتی آن ها، حائز اهمیت فراوانی باشد. داستان حی بن یقظان مهمترین اثر باقی مانده از ابن طفیل است که توانسته عمیق ترین مسائل فکری و فلسفی را با نیروی تخیل در آمیزد و سپس آن را به صورتی بدیع و جذاب در معرض اندیشه دیگران قرار دهد. این داستان حکایت فردی سالخورده بنام حی بن یقظان است که به معرفت جهان هستی راهنمایی می شود. همچنین، به دلیل دیدگاهی که به جهان و انسان دارد زمینه را برای داستان های دیگر با این نگاه و مضمون فراهم آورده و خود نیز جایگاه انسان و تاثیر آن بر جهان را یاد آور می شود و اینکه چطور انسان با توانایی های بالقوه ای که خداوند در درون او نهاده است، می تواند در جهان پیرامون خود اثر گذار باشد. (ادریس^۱؛ ۲۰۱۶؛ ۳۸۵) این داستان نیز بعد ها بدلیل استقبال زیاد از آن به زبان های مختلف از جمله انگلیسی، هلندی، اسپانیایی، فرانسوی، آلمانی و روسی و ... ترجمه شده است.

کتاب داستانی رابینسون کروزو، مشهورترین داستان انگلیسی در سال (۱۷۱۹) توسط دانیل دفو^۲ به نگارش درآمد. این داستان، زندگینامه منحصر به فرد روحانی و خیالی است که لقب «پدر و مادر داستان انگلیسی» را برای خالقش به ارمغان آورد. داستان رابینسون کروزو به وجود انسان و جایگاه او در جهان و چگونگی تاثیری که بر جهان پیرامون خود دارد تاکید می کند.

مساله ای که وجود دارد این است که با وجود نیاز به نقد ادبی داستان ها و بررسی عناصر داستان ها به منظور کاوش در این عناصر، اما آنچه غالباً به دست فراموشی سپرده می شود، عدم مطالعه و پژوهش پیرامون دیدگاه های تربیتی داستان ها است که می تواند حامل پیام ها و تاثیرات مهمی بر روی مخاطبان و خوانندگان داستان هایی از این دست، آن هم در طیف وسیعی از خوانندگان باشد. با نگاهی به مطالعات در زمینه دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو در می یابیم که پژوهش های صورت گرفته فاقد رویکرد تربیتی به این دو داستان بوده اند و اغلب مطالعات داستان رابینسون کروزو را متأثر از الگوی داستان حی بن یقظان می دانند؛ به ویژه با توجه به شباهت های محتوایی که این دو داستان با

1 . Idris

2 . Daniel Defoe

یکدیگر دارند. از اینرو با توجه به اینکه پژوهشی به شیوه مقایسه ای بر دلالت های تربیتی این دو داستان صورت پذیرفته است، انگیزه انجام این تحقیق بر شناسایی الگوهای تربیتی دو داستان بصورت مقایسه ای با توجه به اندیشه های اسلامی موجود در داستان حی بن یقظان است. بررسی مقایسه ای دلالت های تربیتی موجود در دو داستان می تواند با کمک به توسعه ادبیات نظری در خصوص فلسفه ی تربیتی این دو داستان و شناسایی دلالت های تربیتی آن ها حائز اهمیت باشد. داستان های مهم می توانند نقش بنیادی در انتقال مفاهیم تربیتی در سطح گسترده ای داشته باشند. یکی از علل اینکه داستان می تواند در حیطه آموزش نقش کلیدی داشته باشد، جذاب بودن آن ها است. محتوا یک داستان، موضوعی است که نویسنده قصد دارد تا مخاطب را از آن آگاه نماید. این محتوا، گاه می تواند یک احساس بدیع، مفهومی فلسفی، یک پیغام اخلاقی ساده و یا تنها مشغول کردن مخاطب باشد. با پیشرفت علوم و گسترش دامنه تعلیم و تربیت، امروزه داستان ها فارغ از ارزش های مردم شناختی، نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت افراد ایفا می کنند (طاهر، ۱۴۰۰: ۱۶). آنچه در می یابیم این است که با وجود گذر زمان، داستان ها همچنان می تواند فرزندان مان را در همه جوانب زندگی راهنمایی کنند و با گسترش ذهن و تخیل آنان، تجربه های بسیاری را برای آنها فراهم آورد. از اینرو، با توجه به تاثیرگذاری داستان ها در گوهر وجود انسانی و نقش آنها در نظام تعلیم و تربیت، این پژوهش در صدد است تا به روش تحلیلی به کشف دلالت های تربیتی دو داستان پرمخاطب در جهان پی ببرد. از بعد نظری، اهمیت این پژوهش را می توان به آشکار سازی مفاهیم تربیتی پنهان در دو داستان از طریق متون و با کشف حقایق موجود در آن ها اشاره کرد. به عبارتی، جملات موجود در دو داستان دارای یک سری مفاهیم ارزشمندی در زمینه های تربیتی هستند که استخراج این متون و طبقه بندی آنها می تواند به الگو سازی و توسعه در مفاهیم تربیتی بیانجامد. از بعد عملی، اهمیت این پژوهش را می توان به بررسی و کشف موضوعی دو داستان از حیث دلالت های تربیتی مبنی بر اینکه آیا دو داستان حاوی زمینه تربیتی متنوعی هستند که آنها را بتوان به عنوان الگوی تربیتی برای جامعه در نظر داشت؟ اگر چه در ظاهر امر تشابه دو داستان را در عنصر مکان، عزلت و تنهایی را مشاهده می نماییم، بررسی و کشف محتوای تربیتی دو داستان و مقایسه تطبیقی آن ها در زمینه های تربیتی می تواند حاوی نکات ارزشمندی باشد.

مبانی نظری

تعلیم و تربیت انسان ها مهمترین و با ارزش ترین مساله در زندگی انسان به شمار می رود و شامل شیوه های مختلفی است که یکی از این شیوه ها می تواند بکارگیری داستان ها باشد. حال چگونگی ارتباط بین داستان ها و شیوه ای که

داستان‌ها می‌توانند بر اساس آن زمینه های تربیتی خود را برای تاثیرگذاری به کار گیرند، از اهمیت بالایی برخوردار است (ناجی و محمودی، ۱۴۰۱، ۲۴۷).

فلسفه تعلیم و تربیت، کوشش پیوسته ای است که مسائل گوناگون تربیتی و عوامل آن و ارتباط آن با زندگی را بررسی می‌کند (شعاری نژاد، ۱۳۷۷، ۳۵۱). تعلیم و تربیت از جمله اعمالی است که مستقیماً با ابعاد وجود مختلف انسانی در ارتباط است. تربیت مستلزم ایجاد ویژگی‌هایی است که در آغاز به صورت کمی یا کیفی در وجود انسان‌ها وجود ندارد؛ به عبارت دیگر مطابق با دیدگاه ارسطو، تربیت امری ثانویه است که از طریق تغییر در ابعاد وجودی مرتبی صورت می‌گیرد و این تغییر ممکن است به وسیله دیگران یا خود شخص صورت پذیرد (کاردان و دیگران، ۲۱۳۷، ۲۶۱). تعلیم و تربیت روح را از بدن آزاد می‌کند و به سوی حقیقت حرکت می‌دهد. حقیقت در ذهن ساکن است و تنها با آموزش می‌توان آن را آشکار کرد. نفس انسان، با ارزش ترین چیزی است که باید از آلائش حفظ شده، به کمالات لایق برسد و تربیت اصیل، تربیت نفسانی است. مصداق تربیت اساساً خود انسان است. انسان خودش اشرف مخلوقات و روح و نفس او نیز اجزای ساختار اوست. تربیت در نهایت موجب اعتلای روح و حفاظت پاکی روح می‌شود (نسائنا^۱، ۲۰۱۸، ۴۲). با توجه نقش تعلیم و تربیت در گوهر وجود انسانی، بررسی نگرش و دیدگاه‌های موجود در داستان‌های مهم در این زمینه، می‌تواند در دستیابی به کمال مطلوب انسانی، با استفاده از روش‌ها و اصول تربیتی جدید یاری نماید.

داستان، تصویری عینی از برداشت نویسنده و چشم‌انداز وی از زندگی است. هر نویسنده ای فکر و اندیشه‌ی معینی درباره‌ی زندگی دارد و نحوه‌ی برخوردش با زندگی، فلسفه‌ی زندگی او را مجسم می‌کند، زمانی که احساسات در تخیل تشریح و تحلیل گردد، داستان شکل می‌گیرد (میرصادقی، ۱۳۹۲، صص ۳۱ - ۳۲). معمولاً داستان‌ها برای این نوشته می‌شود تا پند یا عبرتی را به مخاطبان خود عرضه کرده و این ویژگی داستان‌ها در طول زمان در پویایی و توجه بیشتر مخاطبان به آن تاثیر داشته است. دانشمندان تعلیم و تربیت، افسانه سازی و داستان سرایی را پلی می‌دانند که دنیای افسانه ای تخیلی را به دنیای واقعی ارتباط می‌دهد. داستان‌ها، بزرگ ترین وسیله ظهور وجدان پاک و خوی و خصلت مطلوب و پسندیده است (شعاری نژاد، ۱۳۹۰، ۱۹۲).

داستان‌ها در طول تاریخ، در فرهنگ‌های مختلف نقش ویژه ای را در انتقال فرهنگ، تاریخ، هنجارهای اجتماعی و باورها و عقاید و نیز حفظ میراث زبانی ایفا کرده است. نگاهی به متون ادبی نشان می‌دهد که از دوران باستان، نهاد خانواده با استفاده از داستان گویی برای کودکان، بخشی از کارکرد تربیتی خود را به انجام رسانده است. داستان‌ها در این کارکرد

1. Nasaina

خود، با نشان دادن وضعیت اجتماعی، کودکان را از چگونگی و چرایی بسیاری از رفتارها آگاه ساخته و بدین سان آنها را برای انتخاب رفتار صحیح و یا به بیان بهتر، مورد قبول اجتماع راهنمایی می‌کند. از دیگر سوی، با نشان دادن بنیادهای رفتار و پیامدهای آن، زمینه‌های اخلاقی اجتماع را روشن کرده و نقش بسزایی در تربیت اخلاقی آنها خواهد داشت (مهاجری و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۰-۴۱). دیدگاه‌ها و اندیشه‌هایی که در داستان‌ها منعکس می‌شود باید از منابع متنوع بسیاری در فلسفه اخذ شود. داشتن درون مایه فلسفی به عنوان موضوع اصلی داستان است که نشان دهنده نوع نگاهی است که نویسنده به آن مسله یا موضوع دارد. اما درون مایه فلسفی اصولاً باید چالش برانگیز باشد، به عبارتی در داستان‌ها باید سوال، موضوع یا مسئله کلی مطرح شود که به امور تجربی یا حقایق تثبیت کننده مربوط نیست که بتوان با مشاهده و یا محاسبه آن را حل و فصل کرد (کم^۱، ۲۰۱۳، ۲۹).

اغلب داستان‌ها شامل موضوعاتی در باب جهان، انسان، نوع شناخت، ارزش‌ها، حاوی خوبی‌ها، بدی‌ها، زشتی‌ها و زیبایی‌ها هستند. شخصیت‌های داستانی ولو در بعد تمثیلی آن که حیوانات باشند هر یک مثل یک انسان و نشان دهنده شخصیت انسانی با ویژگی‌های یک انسان هستند. از این رو هم می‌توانند دارای ابعاد تربیتی باشند. به هر میزان ابعاد تربیتی داستان‌ها قوی‌تر و طرز فکرهای حاکم بر آن‌ها غنی‌تر باشد، قدمت بشری را در داشتن طرفداران خود حاصل خواهند کرد. می‌توان انتظار داشت داستان‌ها براساس محتوای تربیتی خود دارای اثر گذاری بیشتری در طول زمان باشند. کم معتقد است غنای فکری و فلسفی در داستان‌ها یک موضوع چالش برانگیز می‌باشد که در مجموع جستجو مبتنی بر گفتگو و خردورزی که با معماها و مسائل فلسفی آغاز گردد و دلایل و استنتاج خوب از آن، می‌تواند غنای فلسفی یک داستان را دربر داشته باشد (کم، ۲۰۱۳، ۱۵۵-۱۷۵).

داستان حی بن یقظان

ابن طفیل در داستان حی بن یقظان به اجماع عقل و وحی به عنوان دو بال پرواز برای رسیدن آدمی به حقیقت و سعادت می‌پردازد و با این وجود از جایگاه تجربه در تربیت انسان و رسیدن او به معرفت غافل نشده که این مهم در قسمت‌هایی از داستان مشاهده می‌گردد. در داستان، حی بدلیل شناخت وجود غایی که علت تمام پدیده‌های اطرافش می‌باشد و درکی که از آن پیدا می‌کند از سطح تربیت حسی که زمینه ساز هدف غایی رسیدن به خداست فراتر رفته و اهداف واسطی تفکر و استدلال را پلی برای رسیدن به هدف غایی که همان شناخت باری تعالی می‌باشد، به کار می‌گیرد. وی

1. Cam

طبیعت را به عنوان یکی از عناصر هستی شناسی در راستای تربیت حسی خود به کار می گیرد که این تربیت حسی وی در سطح شناخت اولیه باقی نمی ماند و در نهایت به شناخت وجود غایی منتهی می شود.

داستان حی بن یقظان را اگرچه می توان معرفتی فردی برای دستیابی به سعادت تفسیر کرد، اما این معرفت دارای جنبه اجتماعی نیز هست که در آن فرد برای رفع نیاز های خود به اجتماع رجوع کرده و از این طریق به رشد و سعادت دست پیدا می کند. پیامد این وجه اجتماعی اموری از قبیل تقلید اصوات و وضع لغت، اختراع لباس، تهیه مسکن، ساخت ابزار دفاعی مانند چوب دستی و نیزه، بهره گیری از حیوانات اهلی، کشف آتش و به کار بردن آن در پختن غذا و رفع نیازمندی، آگاهی انسان و اهمیت به اعضا و جوارح خود می باشد (بحرانی، ۱۳۹۳، ۱۶).

ابن طفیل معتقد است که تمامی انسان ها با ذاتی پاک و خالص متولد می شوند و تحت تاثیر جهان پیرامون خود تغییر می یابند. اگر به فطرت انسانی خود پایبند بوده و آن را تقویت نمایند در نهایت می توانند به شناختی درست و تربیتی مطابق با سرشت خود دست یابند. در داستان حی بن یقظان، حی ارزش را در شناخت خداوند در می یابد و تلاش می کند که از میان انسان هایی که غرق در زندگی روزمره خود شده اند و شناخت خداوند را به عنوان یک هدف ابتدایی تلقی می کنند، دور شده و به جزیره خویش برود تا در عزلت و تنهایی به شناخت بهتر خداوند دست یابد. در واقع در اینجا وی به نوعی خود را تربیت نموده و از اشتغالاتی که مانع رشد روحی و معنوی او می شدند دوری کرده و تنهایی را که به عقیده وی زمینه شناخت خداوند است، بر می گزیند. او از زندگی اجتماعی به سمت زندگی فردی عبادانه تغییر مسیر می دهد (ستاری، ۱۳۹۴).

داستان رابینسون کروزو

رابینسون زمانی که در شرایط جدید جزیره قرار می گیرد سعی می کند در مورد وقایع پیرامون خود تفکر کند و سپس آن ها را مورد تجزیه و تحلیل و استدلال قرار دهد تا بتواند مسیری جدید برای زندگی خود در جزیره پیدا کند. این زنجیره شناخت حسی و عقلی در معرفت شناسی با تربیت حسی و عقلی وی در زندگی جزیره منطبق و هماهنگ است.

موقعیت جدید رابینسون و حضور در جزیره به تنهایی، با توجه به امکانات و شرایط خلاقیت، ابتکار و نوآوری به خرج داده و محدودیت های موجود در جزیره را به فرصتی برای زندگی بهتر در جزیره تبدیل می کند. در واقع خلاقیت و نوآوری وی تجلی از توانمندی های بنیادین انسان است که آن را تنها می توان در وجود انسان ها یافت. این موضوع با اصل فردیت در داستان هماهنگ و منطبق است. در واقع، دفو در داستان به نقش خود تربیتی رابینسون تاکید ویژه دارد که بر گرفته از توانمندی های بنیادین در زمینه انسان شناسی داستان می باشد. تلاش رابینسون برای بقا و نجات دادن

جان خویش و نا امید نشدن در شرایط سختی که در جزیره برای وی اتفاق می افتد، آموزش و آگاهی بخشی آن به مردم جزیره از تمدن انسانی، نشان دهنده مسئولیت پذیری وی در برابر خویش و اجتماع می باشد. این مقوله را می توان با اصل تربیتی تکلیف فرد نسبت به خود و اجتماع، مرتبط و هماهنگ نمود. رابینسون کروزو و شخصیت های آن، استعاره ها و سناریوها در «ارتباطات خودکار» به عنوان یک وسیله فرهنگی ماندگار برای زندگی و یک ابزار شناختی در فرهنگ مدرن غربی، عمل می کنند. این داستان را می توان به عنوان یک داستانی بسیار مهم در پرورش طبیعت انسان خواند. چرا که این داستان استراتژی های مهمی را برای توصیف فرایندهای آموزشی به خوانندگان خود ارائه می دهد.

پیشینه تحقیق

در زمینه ی دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو چه در داخل و خارج از کشور مطالعاتی به صورت مجزا انجام شده است. در ادامه ابتدا به مطالعات انجام شده مربوط به داستان حی بن یقظان اشاره و سپس به مطالعاتی که در زمینه ی داستان رابینسون کروزو انجام شده پرداخته می شود و جنبه های تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش های قبلی بیان می شود.

در مقاله ای توسط بوژوویچ^۱ (۲۰۱۷) با عنوان «روند تمدن در حی بن یقظان ابن طفیل» با هدف تجزیه و تحلیل عناصر فرآیند تمدن، سعی کرده تا آنها را دوباره به یک نظریه روشن در زمینه تمدن تبدیل کند. برای انجام این تحلیل، عناصر یافت شده در داستان از طریق مفاهیم تمدنی موجود در آثار ابن خلدون و امولد و توین^۲ مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرند. نتیجه مقاله، وجه اشتراک آثار ابن خلدون و امولد و توین به ویژه مفهوم رشد عقل و وحدت بشریت را نشان می دهد. ادریس^۳ (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان «تولید فلسفه ی اسلامی: زندگی و عواقب بعدی حی بن یقظان؛ ابن طفیل در تاریخ جهان از سال ۱۹۴۷-۱۸۸۲» نتیجه می گیرد که این نسل جدید از دانشمندان عرب به متون کلاسیک عربی به عنوان پیشرو اندیشه مدرن اروپا اهمیت داده اند. آنها خوانندگان را دعوت کرده اند تا با ابن طفیل و رساله او، حی بن یقظان، هویت گذشته را ببینند. بحرانی (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «وجوه فردی و جمعی روایت حی بن یقظان» با هدف تمرکز بر تفسیر داستان حی بن یقظان و مقایسه آن با روشی تحلیل فلسفی و با سلامان و ابدال، به شرح غربت انسان پرداخته و وجوه اجتماعی آن را نیز به بحث می گذارد. نتیجه مقاله وی حاکی از آن است که نکته مهم روایت حی

1. bozovic

2. Arnold & Twain

3. Idris

ابن یقظان این است که انسان در جستجوی خویش، به اموری دست پیدا می کند که همگی وجوه اجتماعی دارند. ستاری (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «اندیشه ی فلسفی ابن طفیل در داستان حی بن یقظان و دلالت های تربیتی حاصل از آن» با هدف توصیف داستان حی بن یقظان و تحلیل فلسفه ابن طفیل و انعکاس آن در داستان حی بن یقظان پرداخته شده و سپس از روی شواهد و نشانه های موجود در داستان به بررسی دلالت های تربیتی مبادرت نموده است. نتایج نشان می دهد طرح تربیتی ارائه شده در این داستان عمدتاً از وضعیت، موقعیت و شرایط زمان ابن طفیل نشئت یافته است که در آن کشمکش میان حامیان فلسفه و دین (عقل و شرع) در اوج خود قرار دارد. ناصری (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان «بررسی حی بن یقظان از منظر ذات گرایی و ساخت گرایی» با هدف تبیین دو دیدگاه ذات گرایی و ساخت گرایی به این نتیجه رسید که این داستان با رویکردی ذات گرایانه نوشته شده است. سپس با اشاره به بن مایه های ذات گرایی در این داستان به نقادی آن از منظر ساخت گرایی دینی می پردازد. عرب و خسروی (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «تطبیق عناصر داستانی بر رساله ی حی بن یقظان ابن طفیل» با هدف تحلیل عناصر داستانی در این داستان بعد تازه ای از هنر و دانش ابن طفیل را نمایان سازد و به این نتیجه می رسد که مهمترین عناصر داستان فنی را که شامل پیرنگ، درون مایه، شخصیت، زاویه دید، سبک، لحن، زبان و تکنیک است، در داستان حی بن یقظان یافت کرد.

الجنفایوی^۱ (۲۰۲۰) در مقاله ای با عنوان «دانیل دفو، نسبی گرایی اخلاقی و علم طبیعت انسان در رابینسون کروزو، با هدف بررسی طیف وسیعی از مفاهیم مختلف، از یک سیستم طبیعی شناخته شده جهانی، به طبیعت انسان، علاوه بر تحمل بیماری یا درد انسان، اشاره دارد. نتیجه مقاله حاکی از آن است که در بعضی اوقات، دفو طبیعت را به عنوان یک سیستم جهانی کاملاً خودکفا و طبیعت بشر را به عنوان محصولی از این طرح جهانی غیرقابل انکار ارائه می دهد. دفو در درجه اول ماهیت انسان را به عنوان ایستاده بر ستون یک فرمول اخلاقی تغییرناپذیر تعیین شده از سوی خدا مشخص می کند و اینکه هرگونه انحراف از این حکم الهی معمولاً به فاجعه ختم می شود. مک دونالد^۲ (۲۰۱۹) در مقاله ای با عنوان «رابینسون کروزو و جزیره ناامیدی: استعاره های قهرمانانه داستان و تناقض در راه عدالت اجتماعی» با هدف تجزیه و تحلیل ارزش استعاره ای با استفاده از داستان رابینسون کروزو به عنوان راهی برای تفکر، به این نتیجه پی برد که چگونه عدالت اجتماعی را می توان توسط مدیران در حل ضعف های اجتماعی کشور استرالیا درک و اجرایی کرد. باسمه^۳ (۲۰۱۴) در مقاله ای با موضوع فردیت در داستان رابینسون کروزو قرن به عنوان یک شخصیت و یک بازیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و اقدامات او صحنه ای را برای انسان به وجود می آورد که فرار از عادت ها و زندگی روزمره را در

1. Aljenfawi

2. McDonald

3. Bassmah

پی دارد. نتیجه مقاله وی نشان می‌دهد که یک شخصیت اقتباسی می‌تواند همان رفتاری را داشته باشد که در داستان دارد. واندر مرشه و سوئترت^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «دیدگاه‌ها، فرهنگ و آموزش در رابینسون کروزو» باهدف توصیف استراتژی‌ها و رویکردهای پنهان در داستان به بررسی آن اقدام نموده‌اند. رابینسون کروزو و شخصیت‌های آن، استعاره‌ها و سناریوها در «ارتباطات خودکار» به عنوان یک وسیله فرهنگی ماندگار برای زندگی و یک ابزار شناختی در فرهنگ مدرن غربی، عمل می‌کنند. آنها در نتیجه مقاله خود به این موضوع پی می‌برند که این داستان را می‌توان به عنوان یک داستانی بسیار مهم در پرورش طبیعت انسان خواند. چرا که این داستان استراتژی‌های مهمی را برای توصیف فرایندهای آموزشی به خوانندگان خود ارائه می‌دهد. گومز^۲ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «رابینسون کروزو: ادبیات و دین» با هدف بررسی نحوه بازتاب اندیشه‌ها در داستان رابینسون کروزو به کاوش می‌پردازد. در این مقاله اندیشه‌های مهم انگلیسی در قرن هجدهم مطرح شده و مسائلی را در زمینه تاریخی داستان بررسی می‌نماید و در مورد فلسفه نیز بحث می‌کند. نتیجه مقاله نشان می‌دهد که استفاده از انسان در داستان رابینسون کروزو می‌تواند کمکی در راستای دستیابی به مفهوم انسان طبیعی باشد که در نهایت به انسانی دست پیدا کند که تمدن توسط او شکل گرفته شده است. ولد بیگی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «تئوری‌های فلسفی جان لاک در پاملا ۱، پاملا ۲ آثار ساموئل ریچاردسون و رابینسون کروزو اثر دانیل دفو» با هدف بررسی تاثیر گذاری آموزه‌های لاک در دو داستان، پی برد که در نتیجه‌ی دنبال کردن آموزه‌های لاک، در نهایت پاملا در قامت بانوی خانه‌ی یک شخص معتبر و یک شبه فیلسوف با یک جزوه انحصاری در مورد آموزش کودکان ظاهر می‌شود و کروزوئه هم به درجه‌ی شهربازی یک جزیره می‌رسد. زهره وند و رحیمی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمانی انتقادی «هویت» براساس روش فرکلاف در رساله‌ی حی بن یقظان و داستان‌های رابینسون کروزو و جزیره‌ی سرگردانی» با هدف بررسی گفتمانی با جنبه‌های زبانی و اجتماعی به این نتیجه رسیدند که هویت در رساله‌ی حی بن یقظان گوهر گراست و در داستان رابینسون کروزو رویکرد سازه‌انگار و در داستان جزیره‌ی سرگردانی رویکرد گفتمانی هویت‌بازنمایی شده است. نصر اصفهانی (۱۳۹۷) در پژوهشی دریافتند که سالک مسیر سعادت در این رساله‌ها سوژه‌ای عاقل، بالغ، مذکر، پس‌زنده، تن‌زدوده خود آیین است و سعادت نیز زمانی بدست می‌آید که انسان از همه‌ی کیفیت‌های انسانی خود خالی شده باشد.

1. Vandermeersche and Soetaert

2. Gomez

با توجه به مطالعات انجام شده که در بالا به آنها اشاره شد، در هر یک از این پژوهش‌ها به مباحث مربوط به سوالات اساسی فلسفی، تحلیل عناصر داستانی از بعد هنر و دانش، ارتباط بین داستان با ادبیات و دین پرداخته شده است. اما هیچ یک از داستان‌های یاد شده به طور همزمان و با روش تطبیقی و با شیوه تحلیل محتوا به بررسی همزمان دلالت های تربیتی این دو داستان نپرداخته اند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با توجه به اینکه در زمینه دلالت های تربیتی دو داستان انجام یافته، از نوع توصیفی و بر اساس هدف از نوع بنیادی است. تحقیقات بنیادی به عنوان تحقیقات مبنایی یا پایه‌ای خوانده می‌شود که در جستجوی کشف حقایق، واقعیت‌ها، شناخت پدیده ها و اشیاء بوده و به تبیین ویژگی‌ها و صفات یک واقعیت می‌پردازند. این تحقیقات به دو دسته تجربی و نظری تقسیم می‌شوند و در تحقیقات بنیادی نظری، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود و سپس با روش‌های مختلف استدلال مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار گرفته و نتیجه‌گیری می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۹۴) روش انجام آن نیز بصورت کیفی و با توجه به موضوع تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است. بدین صورت که ابتدا مولفه های اساسی تحلیل محتوا شامل مقوله ها و زیر مقوله های مرتبط در زمینه دلالت های تربیتی در نظر گرفته شد. سپس کدها از روی جملات و گزاره های فلسفی و تربیتی مطالعه و استخراج شد. واحد تحلیل عبارت بود از مضمون (جمله) که در واحد ثبت جملات پیرامونی شناسایی شد. روند کدگذاری به این صورت بوده است که ابتدا سطر به سطر عبارات موجود در متن خام داستان ها مطالعه و کدهای مورد نظر استخراج شدند. آنگاه کدها با ارائه شواهدی در طبقات خاص خود قرار گرفتند. در پایان به ازای هر مفهوم از متن شواهدی استخراج و در مقابل هر کد قرار گرفت. به منظور تحصیل روایی ابزار که همان متن داستان ها باشد، از روش دلفی استفاده شد. از آنجا که پژوهشگر نیاز به حصول اطمینان از متن مناسب داستان ها برای پژوهش را به دلیل ترجمه بودن متن ها (این که آیا ترجمه مورد استفاده بهترین ترجمه است یا خیر؟) احساس کرده بود، لذا در انتخاب متن مناسب برای بررسی دو داستان، از نظرات ۵ نفر از اعضای هیات علمی دانشگاه که در زمینه موضوع داری اطلاعات کافی بوده و نیز در نسخه شناسی متن اصلی داستان ها و ترجمه ها تبحر داشتند، استفاده شد. به این ترتیب مناسب ترین متن اصلی و ترجمه که بیشترین مطابقت را با متن اصلی داستان ها در زبان اصلی آن ها داشته باشند، انتخاب شدند. از این رو، کتاب حی بن یقظان ترجمه ی استاد ابولقاسم تفرشی و کتاب رابینسون کروزو ترجمه ی محسن سلیمانی برای این تحقیق انتخاب شده اند.

سوالات تحقیق:

از آنجایی که هدف اصلی و اساسی مقاله ی حاضر بررسی و مقایسه تطبیقی دلالت های تربیتی دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو است، سوالات تحقیق بصورت زیر مطرح گردیده است.

سوال اول: دلالت های تربیتی در داستان حی بن یقظان در چه زمینه هایی است؟

سوال دوم: دلالت های تربیتی در داستان رابینسون کروزو در چه زمینه هایی است؟

سوال سوم: وجوه اشتراک دلالت های تربیتی دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو در چه زمینه هایی است؟

سوال چهارم: وجوه افتراق دلالت های تربیتی دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو در چه زمینه هایی است؟

یافته ها

مطابق با تحلیل محتوا، دو داستان به صورت کامل و جمله به جمله تحت بررسی قرار گرفته و مضامین و عبارات متناسب و همسو با نظام مقوله بندی مشخص و در فهرست واریسی ثبت شد. مقوله ها بر اساس محورهای مورد توجه دلالت های تربیتی شامل اهداف تربیتی، روش های تربیت، انواع تربیت و اصول تربیت تعیین شدند. به منظور سازماندهی و تحلیل بهتر، برای هریک از مقوله ها، زیر مقوله هایی در نظر گرفته شده است تا ارتباط واحد های ثبت و تحلیل در مقوله ها معنی دار شوند. در ادامه در جدول شماره (۱) نمونه هایی از دلالت های تربیتی در دو داستان بصورت زیر آمده است.

جدول شماره (۱) نمونه هایی از گزاره های تربیتی داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو

مقوله	زیر مقوله	کدها	جملات کلیدی داستان حی بن یقظان
هدف تربیت	هدف اولیه	شناخت های حسی و طبیعی	او دریافت که آتش عنصری آسمانی است مانند خورشید که با نورش اطراف آسمان را روشن می کند و این عنصر توانایی آن را دارد که بر تمام آنچه در اطرافش وجود دارد چیره شود
هدف تربیت	هدف غایی	شناخت باری تعالی و فنا شدن در وجود او	بیدار پیش از این بارها و بارها اندیشیده بود که شاید تمامی آنچه از حیوانات و جمادات و موجودات این جزیره به چشم او آمده و او همواره در پی یافتن خواص آن ها بوده علتی دارد و آن علت کسی است که آن ها را هدایت می کند

روش های تربیت	تربیت عقلی	بکارگیری عقل برای شناخت خدا	اندیشید که اگر این هدایت برعهده کسی باشد پس او می تواند آن ها را آفریده باشد و مطمئناً اگر کسی آفریننده این همه چیز باشد، نباید خودش به چشم بباید و دیده شود چراکه اگر در چشمان سایر موجودات دیده شود، پس او نیز خاصیتی شبیه سایر موجودات دارد و نمی تواند خالق موجودی شبیه خود باشد.
روش های تربیت	تربیت حسی و تجربی	تماس با طبیعت از طریق تجربه	او برای کشف منبع این حرارت چاره ای نداشت جز آنکه حیوانی را زنده بگیرد و دست و پای آن را بسته و سینه اش را بشکافد تا به همان عضوی برسد که در تمامی بدن ریشه داشت و میان قفسه سینه پنهان بود. تصور می کرد شاید آتشی درون این عضو برپاست که حرارت را از طریق این ریشه ها در بدن پخش و منتشر می کند و وقتی این آتش خاموش می شود، زندگی به مرگ و کالبد حیوان به سردی و خاموشی می گراید.
اصول تربیت	تربیت عقلی	استدلال عقلی و کشف و شناخت با ضمیر فطری	دیدار با خود اندیشید که باید دلیلی برای این رفتار آهو وجود داشته باشد. مگر می شود که به ناگاه همه اعضای بدن از کار بیفتند؟ به صورت بدن و نگاهی دقیق کرد و تلاش می کرد تا علتی بیابد و آن را از آهو دور سازد.
انواع تربیت	تربیت فردی	تعامل فردی با محیط	بزرگ شدن کودک در کنار این حیوانات سبب شده بود تا در بسیاری از موارد به حضور آن ها و در تفاوت هایشان اندیشه کند و دریابد که هر حیوانی چه ویژگی هایی دارد و چرا از آن ویژگی برخوردار است.
مقوله ها	زیر مقوله ها	کدها	جملات کلیدی متن رابینسون کروزو
اصول تربیت	اصل فردیت	ابتکار و نوآوری	بعد از مدتی، فهمیدم که با جمع کردن پا بوس هایی که شکار می کنم و یک تکه طناب به عنوان فتیله، می توانم چراغ درست کنم. اگرچه این چراغ به پا پرنوری شمع نبود اما می توانستم در روشنایی آن ها، شب ها، هم یادداشت های خودم را بنویسم
اصول تربیت	تربیت عقلی	استدلال عقلی	به این نتیجه رسیدم که بهتر است در آن اطراف جزیره زندگی کنم، چون در آن جا هزاران لاک پشت زندگی می کرد، درحالی که تا آن زمان در ساحل نزدیک خانه خودم، بیشتر از سه لاک پشت ندیده بودم. همچنین، پرنندگان گوناگون، بخصوص نوعی پنگوئن هم در آن جا زندگی می کرد. تعداد بورس های آن جا هم زیادتر از ساحل خانه من بود اما شکار آن ها به دلیل هموار بودن زمین خیلی سخت بود.
اصول تربیت	اصل تکامل	ابعاد فکری و عقلی در تکامل انسان،	بعد از مدتی، فهمیدم که با جمع کردن پا بوس هایی که شکار می کنم و یک تکه طناب به عنوان فیتیله، می توانم چراغ درست کنم. اگرچه این چراغ به پا

پر نورى شمع نبود اما مى توانستم در روشنایی آن‌ها، شب‌ها، هم یادداشت	استدلال	تربیت	روش‌های
های خودم را بنویسم.	شناخت	عقلی	تربیت
	جهان		
پس از مدتی، فهمیدم که این کار آن قدرها هم که فکر می‌کردم ساده نیست	شناخت	تربیت	اهداف
گل رس به قدر کافی سفت نمی‌شد و خیلی از کوزه‌ها وا می‌رفت و خراب	حسی و	مقدماتی	تربیت
می‌شد. بعضی از آن‌ها هم وقتی زیاد زیر آفتاب می‌ماندند، ترک برمی‌داشتند.	طبیعی		
عاقبت، پس از دو ماه تلاش، موفق شدند دو کوزه بزرگ بسازم. البته خیلی	تعامل و	تربیت	روش‌های
بی‌ریخت و بدقواره بودند، اما می‌توانستم جو را در آن‌ها بریزند و انبار کنم.	انس با	حسی و	تربیت
	طبیعت	تجربی	

بدین صورت در اینجا دلالت‌های تربیتی دو داستان را در چهار بخش مجزا بررسی می‌کنیم.

۱. اهداف تربیتی: در تبیین اهداف تربیتی داستان حی بن یقظان می‌توان آن را به سه قسمت اهداف مقدماتی، اهداف واسطی و هدف غایی تقسیم کرد. اهداف مقدماتی شامل اهدافی است که در ابعاد فردی و اجتماعی، زمینه ساز دست یابی انسان به هدف غایی و برتر هستند. در این داستان رسیدن حی به شناخت حسی یکی از اهداف مقدماتی می‌باشد. اهداف واسطی در واقع پلی میان اهداف مقدماتی و غایی هستند که زمینه‌ی رسیدن فرد را از طریق هدف‌های مقدماتی به هدف‌های غایی فراهم می‌کنند. به عنوان نمونه تفکر در صفات خداوند در واقع همان هدف واسطی را تشکیل می‌دهد. هدف غایی همان هدف برتری است که فرد در واقع برای رسیدن به همان هدف تلاش می‌کند. در این داستان به دلیل رویکرد عرفانی که داستان به همراه دارد، هدف غایی همان شناخت خداوند و رسیدن به مقام قرب الهی می‌باشد. حی بن یقظان به عنوان نمادی از چگونگی رشد انسان است که مراحل ارتقای درونی انسان را بصورت حرکت از جهان حس و ماده به عالم عقل را نمایان می‌کند. حی بن یقظان نشان دهنده فردی است که با روشن شدن ضمیر باطنی اش، به شناخت حقایق عالم و اسرار هستی نائل می‌آید. بر اساس عقیده ابن طفیل، ذات پاک هر انسان به واسطه اتصال او به وجود حقیقی یعنی خداوند (هستی اش) و به سبب خیری که در نهادش دارد، به حد تعالی می‌رسد.

در تبیین اهداف تربیتی داستان رابینسون کروزو، استفاده از ابزار حسی و تجربی به شناخت جهان پیرامون، قوه‌ی تفکر و استدلال در بهره‌گیری از طبیعت برای رفع نیازهای شخصی، تنها استفاده از ابزار حس و تفکر برای رسیدن به این هدف مشاهده می‌شود. به عبارتی سطح اهداف تربیتی در داستان را می‌توان محدود به اهداف مقدماتی و واسطه‌ای دانست.

۲. **روش های تربیتی:** روش های تربیتی داستان حی بن یقظان با ادراک حسی ظاهری (تجربی) شروع و با به کارگیری عقل و استدلال ادامه می یابد و در نهایت به ادراک شهودی می رسد. فرآیند شناخت حی به تنهایی و در میان جانوران و امور محسوس و به کمک حواس پنج گانه و عمل گرایی وی شروع می شود. ابن طفیل حی را در داستان نمادی از انسانی که با تامل در احوال موجودات جهان به فهم و ادراک حقایق معقول دست می یابد، معرفی می کند. تاکید بیشتر داستان را می توان در بهره گیری از روش عقلی و بدون تعلیم انسان های دیگر مشاهده نمود. در داستان به هدف های برتری که فرد برای رسیدن به آن از طریق شناخت رمزی تلاش می کند، اشاره می شود.

در تبیین روش های تربیتی داستان رابینسون کروزو، دو نوع تربیت حسی-تجربی و تربیت عقلی وجود دارد که در مرحله ی تربیت عقلی، تاکید بر شناخت جهان مبتنی بر استدلال و تفکر یافت می گردد.

۳. **انواع تربیت:** یافته های تحلیل محتوا داستان حی بن یقظان از بعد انواع تربیت بر سه نوع تربیت فردی، تربیت اجتماعی و تربیت دینی دلالت دارد. در واقع در داستان شخصیت حی بیشتر خود آموز تلقی می شود که به تعامل با محیط خود می پردازد و با کمک حس که یکی از ابزار شناخت برای انسان است با جهان پیرامون خود ارتباط برقرار می کند. عقل و قدرت فکر نیز به حی کمک می کند تا چیز هایی را که حس می کند مورد تحلیل قرار دهد و این موضوع او را از دیگر موجودات جزیره برتری می دهد. او علاوه بر شناخت با کمک این ابزار در درون خود نیز واکاوی انجام می دهد و از طریق شهود باطنی به شناخت درونی دست می یابد. تربیت اجتماعی با آگاهی حی از وجود گروهی از انسان ها در جزیره شروع می گردد و تلاش وی برای آشنایی فطری آنها با شیوه شناخت خودش از خداوند ادامه می یابد. تربیت دینی در داستان با حضور شخصیت های ابدال و سلامان به عنوان افرادی هستند که دین در آنها تجلی پیدا می کند، نمایان می گردد. سلامان نماد دینداران ظاهری که تنها به ظاهر دین اهمیت می دهند. در نهایت حی به این نحوه ی دین داری ایشان انتقاد می کند. ابدال نماد دین دارانی است که ریشه و اساس دین را درک کرده اند و حی از این نوع دین داری بهره می گیرد و چیزی را که به صورت فطری به دنبال آن بوده بدین وسیله جهت دار می کند.

در تبیین انواع تربیت در داستان رابینسون کروزو، دو نوع تربیت فردی و تربیت اجتماعی وجود دارد که در مرحله ی تربیت فردی، تاکید بر شناخت جهان مبتنی بر نقش خود تربیتی اشاره می گردد. در تربیت اجتماعی، رابینسون در داستان به فردی به نام جمعه کمک می کند تا زبان بیاموزد و فرهنگ عاداتش را تغییر دهد حتی برایش نامی انتخاب می کند تا او را صدا بزنند.

۴. اصول تربیتی: یافته ها در زمینه اصول تربیتی موجود در داستان حی بن یقظان حاکی از اصل فردیت، تکلیف، تکامل و فطرت شناخت می باشد. محتوای داستان و عملکردهای شخصیت اصلی داستان بیشتر بر اصل تربیتی فردی متمرکز شده و شخصیت اصلی داستان در انتها از اجتماع مردمان دوری می گزیند. جایی که حی به تنهایی و به دور از اجتماع با شناخت عقلی و شهودی خود به ادراک دست می یابد. اصول تربیتی داستان در مقوله اصل تکلیف به سه زیر مقوله تکلیف نسبت به خود، تکلیف نسبت به اجتماع و تکلیف در برابر خداوند تقسیم گردید. در اصل تکامل، ابن طفیل چگونگی رشد حی را تا آخرین مدارج کمال نشان می دهد و آن را نمونه کاملی از تحول انسان می شمارد. ویژگی بارز داستان را می توان بصورت نظریه تکاملی شناخت مشاهده کرد. اصل فطری شناخت داستان حاکی از آن است که حی در مرحله ی شناخت به ادراکی به صورتی فطری و بدون آموزش دست یافته است. این ادراک وی را می توان با ادراک اِبسال که از طریق آموزش به آن دست یافته است، شباهت داد. بدین صورت که شناخت حی بیشتر از منظر تربیت شهودی بوده است.

از سوی دیگر، در تبیین اصول تربیتی موجود در داستان رابینسون کروزو؛ اصل فردیت، تکلیف و تکامل مشاهده می گردد. رابینسون با اینکه در گذشته تحت آموزش بوده ولی تجربه ی زندگی در جزیره به صورت تنها را نداشته است. او پس از ورود به جزیره با شرایط جدیدی مواجه می شود که با ابتکار و نوآوری های شخصی خود به حل مسائل و ادامه حیات در جزیره می پردازد. در اصل تکلیف داستان، دو اصل تکلیف فرد نسبت به خود و تکلیف نسبت به اجتماع وجود دارد. اصل تکامل داستان را می توان در شناخت حسی و تجربی به تعقل و خلاقیت و نوآوری برای ساختن وسایل و ابزار ضروری برای ادامه ی حیات در جزیره یافت کرد. نظریه تکاملی شناخت در داستان از مرحله ی حسی و تجربی به شناخت عقلی از جهان خاتمه می یابد.

وجوه اشتراک دلالت های تربیتی دو داستان

وجه اشتراک دلالت های تربیتی دو داستان را می توان در اصول تربیتی مبنی بر اصل فردیت، اصل تکلیف نسبت به خود و اجتماع، اصل تکامل پیرامون خلقت انسان اولیه و چگونگی رشد و نمو او و نفس بشری مشاهده کرد. در دو داستان بصورت رمزی، پیدایش و رشد و تکامل یک انسان تنها و منزوی را به یک انسان اجتماعی نشان می دهد. اگر چه یک سوی داستان به معرفتی فردی اشاره دارد که در آن دستیابی به سعادت تفسیر می شود؛ در سوی دیگر داستان، همین معرفت دارای وجوه اجتماعی می گردد که فرد به واسطه نیاز و برای تحقق سعادتش به آنها دست پیدا می کند.

در زمینه انواع تربیت، دو داستان از جنبه فردی سیر تکاملی خود را به سمت جنبه اجتماعی سوق می دهد. موضوع «تنهایی» کانون اصلی دو داستان است و فضای تنهایی که بهترین نمادش جزیره است و مواجهه با طبیعت و بیش از آن با خود و در نهایت چگونگی دگردیسی عناصری هستند که همواره موضوع انسان بوده اند. در دو داستان، شرایط پیدایش و زیست آدمی و امکانات رشد وی و تأثیر عقل، اندیشه و قوای طبیعی، بطور عمیق مورد توجه بوده است.

محوری ترین پیامد دو داستان را می توان به آگاهی رساندن و بیداری انسان از میزان قدرت درون خود در دستیابی به اهداف، حتی در صورتی وجود مشکلات بسیار بر سر راه خویش، دانست. این آگاهی چیزی است که در آن هیچ قدرت فیزیکی ملاک نیست و تنها قدرت برتری جوینده ی آن گوش دادن به صدای درون است. طبق توضیحاتی که پیرامون دو داستان ارائه شد می توان دریافت که این دو داستان شباهت هایی در فضای خود با یکدیگر دارند و حتی برخی عقیده دارند که نویسنده ی داستان رابینسون کروزو در زمان نگارش تحت تأثیر داستان حی بن یقظان بوده و این اشتراکات نیز به همین دلیل می باشد.

وجوه افتراق دلالت های تربیتی دو داستان

مهمترین وجوه افتراق دو داستان در اهداف تربیتی است، بدین صورت که حکایت سیر معرفتی انسان از شناخت وجود حقیقی در داستان حی بن یقظان نسبت به داستان رابینسون کروزو است. تلاش برای کشف حقیقت وجود و ارائه معنای جدیدی برای زندگی به عنوان نقش برجسته در داستان حی بن یقظان جلوه گر است. در داستان حی بن یقظان اشاره به این موضوع می شود که انسان بدون هیچ آموزگاری تا واپسین مدارج کمال می تواند بالا رود و حقایق را درک کند و به عرفان حق دست یابد. در داستان تبیین ضرورت استفاده از عقل و استدلال از یک سو و بهره مندی از طریق کشف و شهود از سوی دیگر، برای نیل به حقیقت و دستیابی به کمال انسانی مطرح است. در داستان سیر تکاملی انسان از مرتبه حسی به مرتبه عقلی و سپس شهودی به تصویر کشیده می شود. اهمیت داستان را می توان در بعد روش عقلی و عرفانی توحیدگرایانه آن یافت که در کشف حقیقت، علوم طبیعی و الهی را در پیش گرفته است و موجبات توجه ابتدایی انسان به مفاهیم فلسفی و دینی را بیان کرده است.

حی بن یقظان، در شرایط انزوا جزیره و به دور از اجتماع بر اساس فطرت و عقل سلیم خود به شهود که یکی از راه های شناخت جهان پیرامون است، پناه می برد. این ادراک وی سرانجام منجر به درک مفهوم وجود غایی می گردد. وی در جایی از داستان پس از مرگ آهو که او را همانند مادرش می پنداشت، به وجود عالمی غیر مادی از جسم و جهان مادی پی می برد. این عالم غیرمادی که همان روح حاکم بر جهان مادی است؛ منجر به تفاوت های بین اشیا و پدیده های

مشاهده شده توسط وی می‌گردد. در نهایت، وی با روشی غیر از حس و تجربه و بر اساس درک شهودی خویش به دنبال علت یابی ماهیت وجودی پدیده‌های پیرامون خود می‌گردد و پس از استدلال به وجودی غایی پی می‌برد که علت تمام پدیده‌هایی است که در جهان اطرافش اتفاق می‌افتد. اما داستان رابینسون کروزو، خود بر یک الگوی منطبق با اندیشه انسان محور استوار است. در واقع رابینسون محصول جامعه‌ای است که قبلاً تا سنین جوانی در آن رشد کرده و در آن بسیاری از مهارت‌ها و تعالیم آشنایی داشته است. مفاهیمی همچون قدرت طلبی و کسب منافع شخصی در داستان، نتیجه زندگی وی از جامعه انسانی و تاحدی دور شدن وی از فطرت پاک انسانی است. شناخت رابینسون در داستان تا جایی پیش می‌رود که وی را برای رفع نیازهای شخصی و بهبود کیفیت زندگی در جزیره یاری دهد. شناخت او فراتر از شناخت حسی و عقلی نمی‌رود. در جدول شماره (۲) بصورت خلاصه وجوه مورد بررسی ارائه گردیده است:



جدول شماره (۲) - مقایسه تطبیقی دلالت های تربیتی دو داستان

داستان رابینسون کروزو	داستان حی بن یقظان	مقوله های تربیتی
اغلب داستان بر هدف اولیه و شناخت حسی و طبیعی	شواهدی از هر سه هدف اولیه، میانی و غایی تربیت مبتنی بر شناخت حسی و طبیعی، تفکر در ثبات ثبوتیه و سلبیه خداوند و شناخت باری تعالی	اهداف تربیت
تربیت حسی تربیت عقلی مبتنی بر ابعاد مادی	تربیت حسی (ظاهری) تربیت عقلی تربیت غیر حسی (باطنی)	روش های تربیت
شواهد بر تربیت فردی در بعد مادی جنبه اجتماعی	جنبه فردی جنبه اجتماعی شکل دینی	انواع تربیت
اصل فردیت اصل تکلیف نسبت به خود و اجتماع اصل تکامل در بعد مادی	اصل فردیت، اصل تکلیف، اصل تکامل، اصل پیوستگی ظاهر و باطن و اصل فطری بودن شناخت	اصول تربیت

نتیجه گیری و پیشنهادات

دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو، طبیعت را به عنوان عامل تاثیرگذاری می داند که با کمک نیروهایی که در اختیار قرار می دهد، می آموزد که چطور باید بدون حضور در جامعه انسانی و کمک از آن ها به تکامل انسانی دست یافت. محتوا اصلی دو داستان بر اساس زندگی در سختی های جزیره بدون هیچ آموزش و بصورت غریزی است و شرایط پیدایش و زیست آدمی و امکانات رشد وی و تأثیر عقل، اندیشه و قوای طبیعی، بطور عمیق مورد توجه بوده است. در این دو داستان، شخصیت های اصلی کم کم با درک و شناختی که از جهان اطرافشان بدست می آورند، راه هایی برای بهتر شدن کیفیت زندگی خویش در جزیره پیدا می کنند. همچنین، حسی از درون پیوسته به آن ها نهیب می زند که

چیزی فراتر از این زندگی نیز وجود دارد. آشنایی ناگهانی با یک هم‌نوع خود در روزگار جوانی دریچه‌های دنیای دیگری را برای آنها بوجود می‌آورد. بیشتر عنصر تفکر و استدلال به عنوان روش‌های تربیتی در داستان مشاهده می‌شود که این امر از شرایط داستان نشأت می‌گیرد.

نکته اصلی در داستان حی بن یقظان آن است که شخصیت اصلی داستان از سطح تربیت حسی که زمینه‌ساز هدف غایی رسیدن به خداوند است فراتر رفته و اهداف واسطی تفکر و استدلال را پلی برای رسیدن به هدف غایی که همان شناخت باری تعالی می‌باشد، در نظر گرفته است. وی، طبیعت را به عنوان یکی از عناصر هستی‌شناسی در راستای تربیت حسی خود به کار می‌گیرد و تربیت حسی وی در سطح شناخت اولیه باقی نمی‌ماند، تا در نهایت به شناخت وجود غایی منتهی می‌گردد. ابن طفیل در داستان به این موضوع اشاره دارد که انسان خود بر اساس فطرت پاک و خالص انسانی بدون وحی و وجود شریعت با تکیه بر توانایی‌های درونی به شناخت وجودی که آفریننده و علت تمام جهان است، دست می‌یابد. وی، شخصیت حی را نمونه‌ای از تمام انسان‌هایی می‌داند که اگر به فطرت انسانی خود پایبند بوده و آن را تقویت نمایند، در نهایت می‌توانند به شناختی درست و تربیتی مطابق با سرشت خود دست یابند و به این موضوع معتقد است که تمامی انسان‌ها با ذاتی پاک و خالص متولد می‌شوند و تحت تأثیر جهان پیرامون خود تغییر می‌یابند. حی با استعداد طبیعی خود و مشاهده جهان پیرامون و همچنین تجربه‌های شخصی به یک چارچوب فکری مختص خود دست می‌یابد که هر انسانی با شناخت استعدادها و توانمندی‌هایی که به طور ذاتی در درون خود دارد و با پرورش آن‌ها می‌تواند این چارچوب فکری مختص خود را ایجاد کند. حی، ارزش را در شناخت خداوند در می‌یابد و تلاش می‌کند که از میان انسان‌هایی که غرق در زندگی روزمره خود شده‌اند و شناخت خداوند را به عنوان یک هدف ابتدایی تلقی می‌کنند، دور شده و به جزیره خویش برود تا در عزلت و تنهایی به شناخت بهتر خداوند دست یابد. در واقع در اینجا وی به نوعی خود را تربیت نموده و از اشتغالاتی که مانع رشد روحی و معنوی او می‌شدند دوری کرده و تنهایی را که به عقیده وی زمینه شناخت خداوند است، بر می‌گزیند.

داستان رابینسون کروزو را می‌توان تا حدودی بسیار کمی در دلالت‌های تربیتی متأثر از داستان حی بن یقظان دانست. از آنجا که در داستان، شخصیت اصلی برای کشف حقیقت و حل مسائلی که نشأت گرفته از طبیعت است از خود طبیعت الهام می‌گیرد و برای شناخت طبیعت از حس و تجربه استفاده می‌کند. وی تلاش می‌کند تا با تفکر و استدلال خویش آن را تکامل بخشد و از آن نهایت استفاده را ببرد. رابینسون زمانی که در شرایط جدید جزیره قرار می‌گیرد سعی می‌کند در مورد وقایع پیرامون خود تفکر کند و سپس آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل و استدلال قرار دهد تا بتواند مسیری

جدید برای زندگی خود در جزیره پیدا کند. این زنجیره شناخت حسی و عقلی در معرفت شناسی با تربیت حسی و عقلی وی در زندگی جزیره منطبق و هماهنگ است. در واقع، در داستان به نقش خود تربیتی رابینسون تاکید ویژه دارد که بر گرفته از توانمندی های بنیادین در زمینه انسان شناسی داستان می باشد. ارزش های اجتماعی داستان (کمک به دیگران) با ورود جمعه به جزیره و تلاشگری رابینسون نمایانگر می شود. رابینسون طبیعت را پایه و اساس برای رشد مادی خود می داند و سعادت و ارزش غایی را در بهره گیری مادی از طبیعت می داند. همچنین، مبتنی بر اصل تربیتی تکلیف، وی همزمان به ادای تکلیف نسبت به خداوند و دیگران تاکید می کند.

با توجه به اینکه داستان های بزرگ کارکردهای مهمی در زندگی انسان ها دارند و می توانند انسان و زندگی را مقوله بندی و الگوسازی کنند؛ بطوریکه انسان ها خود را در آینه این روایت ها، بهتر و عمیق تر بازشناسی کنند. نتایج تحلیل محتوا دو داستان حاکی از آن است که سعادت حاصل از معرفت در خلال حفظ هم فردیت و هم جمعیت بدست می آید. به عبارتی تنهایی و غربت غایت نیست و وسیله ای برای تأمل بیشتر و کسب معرفت برای بیداری خود و آگاه ساختن جامعه است. بررسی موضوعی دو داستان حی بن یقظان و رابینسون کروزو از حیث دلالت های تربیتی حاکی از وجود زمینه های تربیتی متنوعی است که می توان آنها را به عنوان الگوی تربیتی برای جامعه در نظر داشت. در چنین جامعه ای آشنایی با چنین الگوهایی می تواند بیش از پیش به کمک انسان بیاید و می تواند حاوی راهنمایی هایی در حوزه نظر و عمل برای مسوولان تربیتی و مربیان تربیت باشد.

از محدودیت های اصلی این تحقیق، جمع آوری و تفسیر متون استخراج شده از دو داستان می باشد. در تحلیل محتوای کیفی، داده های ثانویه برای جذب مفاهیم به عنوان بخشی از مطالعه، تجزیه و تحلیل می شوند. مشکل اصلی بررسی منبع ثانویه، بی طرفی و سوگیری است. با توجه به اینکه روش تحلیل محتوای کیفی در کلمات و مضامین آشکار می شوند تا درک نتایج را به تصویر بکشیم؛ پیش فرض ها، باورها و تفاسیر محققین می توانند نوع تحلیل را تغییر دهند. در جمع آوری و تفسیر داده ها، بی طرفی و ظرافت محقق باید توجیه شود. (بنگستون، ۲۰۱۶، ۸). محقق سعی کرد از این محدودیت ها اجتناب کند.

منابع

- بحرانی، مرتضی (۱۳۹۳) وجوه فردی و جمعی روایت حی بن یقظان. پژوهش‌های فلسفی - کلامی. ۱۶ (۳) (پیاپی ۶۳)؛ ۹۳-۱۱۴.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۴) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
- زهره‌وند سعید، رحیمی منصور (۱۳۹۶) تحلیل گفتمان انتقادی «هویت» براساس روش فرکلاف در رساله حی بن یقظان و رمان‌های رابینسون کروزوئه و جزیره سرگردانی. فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی. ۲ (۱): ۹۷-۱۳۰.
- ستاری، علی (۱۳۹۴) بررسی اندیشه فلسفی ابن طفیل در داستان حی بن یقظان و استنتاج‌های تربیتی حاصل از آن. مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۱ (۴)، شماره پیاپی ۴. ۲۷-۵۴.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۰) فلسفه آموزش و پرورش. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- عرب، عباس؛ خسروی، راضیه (۱۳۹۱) تطبیق عناصر داستانی بر رساله حی بن یقظان ابن طفیل. نشریه زبان و ادبیات عربی، ۴ (۷). ۵۶-۷۲.
- طاهر، علی (۱۴۰۰) اهمیت ادبیات داستانی در تعلیم و تربیت کودک، پنجمین همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی، همدان، <https://civilica.com/doc/1434979>
- کاردان، علی محمد (۱۳۷۲) سیرآراء تربیتی در غرب. تهران. انتشارات سمت.
- کم، فیلیپ (۱۳۸۹) با هم فکر کردن، کندوکاوهای فلسفی برای کلاس. ترجمه مژگان رشتچی و فرزانه شهرتاش، تهران: انتشارات شهر تاش.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۰) فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان (انتشارات مدرسه).
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۲) شناخت داستان. تهران: انتشارات نگاه.
- ناصری، ذوالفقار؛ نصیری، منصور (۱۳۹۲) بررسی حی بن یقظان ابن طفیل از منظر ذات‌گرایی و ساخت‌گرایی، فصلنامه نقد و نظر، ۱۸ (۷۲): ۱۷۵-۱۵۰.

ولدبیگی، شاهد (۱۳۹۹) تئوری‌های فلسفی جان لاک در پاملا ۱، پاملا ۲ آثار ساموئل ریچاردسون و رابینسون کروزوئه اثر دانیل دفو . (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران (پردیس البرز). تهران.

Aljenfawi, K. (2020). Daniel Defoe, Moral Relativism and The Science of Human nature in Robinson Crusoe, *An-Najah University Journal for Research- B (Humanities)*. 34 (8): 43-56 https://digitalcommons.aaru.edu.jo/anujr_b/vol34/iss8/8

Bassmah, B. K. A. (2014). Daniel Defoe and Luis Buñuel's Robinson Crusoe: Individuality in Film and Fiction. *International Journal of Literature and Arts*. 2(3): 65-68. <https://doi:10.11648/j.ijla.20140203.12>

Bengtsson M, 2016, February. How to Plan and Perform a Qualitative Study Using Content Analysis. *Nursing Plus Open*, 2, 8-14. doi:10.1016/j.npls.2016.01.001

Bozovic, M. (2017). The Process of Civilization in Ibn Tufayl's Hayy Ibn Yaqzan. *Centar za religijske nauke "Kom"*. 6 (2): 77–90. <https://doi: 10.5937/kom1702077B>

Gomez, A. S. (2010). robinson crusoe: literature and religion. *Revista Praxis*. 6(1):7-14. <https://doi.org/10.21676/23897856.76>

Cam, Philip (1995). *Thinking Together: Philosophical Enquiry for the Classroom*, Primary English Teaching Association.

Idris, M. (2016). Producing Islamic philosophy: The life and afterlives of Ibn T: ufayl's Hayy ibn Yaqzan in global history, 1882–1947. *European Journal of Political Theory*. 15(4): 382–403. <https://DOI: 10.1177/1474885116666032>

MacDonald, K. (2019). Robinson Crusoe and the Island of Despair: Heroic Metaphors and Contradiction in Leading for Social Justice. *Journal of Educational Administration and History*. 51(2). 133-148. <https://doi.org/10.1080/00220620.2019.1583174>

Nasaina M, 2018. Plato's Educational System in Athens - 4th Century. *Open Journal Studies in History*, 1(2), 39-48. doi:10.32591/coas.ojsh.0102.01039n

Vandermeersche, G; Soetaert, R. (2012). Landscape, Culture, and Education in Defoe's Robinson Crusoe. *CLCWeb: Comparative Literature and Culture*. 14 (3): 128-139. <https://doi.org/10.7771/1481-4374.2043>

An educational look at the two stories of Hayy bin Yaqzan and Robinson Crusoe: a comparative study

Abstract

The purpose of this research is to investigate the educational implications of the two stories of Hay Bin Yaqzan and Robinson Crusoe in a comparative way by identifying their most obvious educational implications. The research method was descriptive-analytical using content analysis method along with inductive approach. In the analysis of the stories, the unit of sentence analysis was considered. In this regard, the sentences aligned with the categorization system were specified and recorded in the checklist. The subcategories under the main categories were conceptualized with Educational implications approaches. The findings of the research show that the commonality of the educational implications of the two stories is reflected in the educational principles based on the principle of individuality, the principle of duty towards oneself and society, the principle of evolution around the creation of the first human and how the human soul grows and develops. On the other hand, the most important difference between the two stories is in educational goals; In this way, the story of man's epistemological journey of knowing the true existence in the story of Haibin Yaqzan is compared to the story of Robinson Crusoe. The effort to discover the truth of existence and provide a new meaning for life is prominent in the story of Hayy bin Yaqzan.

Keywords: educational implications; The story of Hay bin Yaqzan, the story of Robinson Crusoe; content analysis